

## به تو بد کردم

پدرهای سختگیر تقریباً دوره‌شان تمام شده است. یعنی می‌شد مثلاً از یکی مثل من توقع داشته باشید که از سختگیری‌های پدرم دور مرد این که با چه کسی رفاقت کنم یا نه، یا این که چه ساعتی از خانه بیرون بروم و کی برگردم و خیلی چیزهای دیگر بگویم اما حالا که پدر شده‌ام لاقلاً همه تلاشم این است که مدلم با فرزندانم چیزی شبیه رفاقت باشد. البته یادمان نرود که جایگاه پدری، هیچ ربطی به رفاقت ندارد و باید شکل خودش باشد.

اما باید قبول کنیم در کنار خیلی از پدرهای نوجوان‌های امروزی برخی خواسته‌های‌شان که طبیعی هم هست چون فکر می‌کنند با آنها می‌توانند، به امنیت و سلامت جسمی و روحی فرزندانشان کمک کنند در سایر مواقع ما باید راهی طرف هست دخالت چندانی در کارهای فرزندانشان

هر روز هم در شبکه‌های اجتماعی همین روحیه را ترویج می‌کنند که مثلاً پدری خوب است که نه به حجاب دخترش کار دارد و نه به تتو زدن پسرش گیر می‌دهد؛ تازه اگر تشویق‌شان نکند!

ما دنبال خوب یا بد بودن این مدل پدرها نیستیم. ولی فقط با یک سؤال می‌توانید خودتان کلاهتان را قاضی کنید. این که اگر خودتان پدر شوید (با مادر) آیا به فرزندان اجازه می‌دهید هر کاری بکنند؟ مثلاً به مواد مخدر بزنند یا دزدی کنند یا.... و اگر رفت سمت این کارها، شما به او آزادی می‌دهید و می‌گویید نباید منعش کرد؟!

بد نیست اینجا هم برویم سراغ یک ترانه و بدانی که شاید  
ته‌ته دل همان پدرهای ظاهراً آزاداندیش هم به قول محسن  
یگانه این است که: «همون لحظه همون موقع با اون احوال  
خیلی بد/ درست وقتی که می‌رفتی دلم شور تورو میزد»



## وقتی نیستی...

بگذاری یا از آن بالاتر وقتی می خواهی درباره آینده با او مشورت کنی، در همه احوالات می گوید: «چقدر می خواهی؟ بگو بزنم به کارت!» و اغلب هم دور از خانواده اند به بهانه کار کردن و پول درآوردن. من یکی معتقدم گاهی این خود مانو جوانان هستیم که جوری با پدرمان برخورد کرده ایم که او هم جز این از ما توقعی نداشته باشد و باید یادمان باشد که عایرینان مهربان و دلسوز نیست. پس نباید کاری کنیم که پدر نقش خودش را همین اندازه سطحی تصور کند. گرچه باز در مورد اغلب این پدرها یاد این ترانه معروفی که خیلی ها هم خوانده اند می افتیم. این را البته باید از زبان فرزندان خطاب به این پدرها بخوانید: «من نیازم تو رو هر روز دیدنه/ از لبت دوست دارم شنیدن».

متفاوتند. الان نمی‌خواهم سراغ از این حرف بزنم که برخی دخترشان را رابطه بهتری برقرار می‌کنند و مثلاً در گرفتن این مدل تبعیض‌ها مد نظر می‌گیرد. البته شاید تقصیر چندان‌ی هم معروف‌اند به پدرهای «عاریبانک».

**من، من، من، من!**

یک مدل پدرهای نوظهور هم داریم که برای دیده شدن فرزندشان از همان دوران کودکی دست به هرکاری می‌زنند. این‌گونه کمیاب، باز پدر شدن خودشان یا در اکثر مواقع از خود فرزندانشان نان در می‌آورند. بالاخره وقتی هرکسی با کمک شبکه‌های اجتماعی به دنبال کشف شکلی جدید یا درآمدزایی افتاده است، چرا که عده از این راه پول در بیاورند؟ الان اگر بخواهم پرورنده چند تا از این کودکان و نوجوانان را باز کنم که احتمالا شما هم به خوبی می‌شناسیدشان، بعدا باید کلی جنجال را تحمل کنیم ولی خودتان کافی است به کسانی که پز اندام خوب و مهارت‌های ورزشی و خوشگلی و خوش‌زبانی و صد جور دیگر از این ویژگی‌های بچه‌های‌شان را می‌دادند و بعضا دیگر خبری از آنها نیست فکر کنید. البته ماجرا کاملا دو طرفه است. چرا که خیلی‌ها هم برای دیده شدن و پول درآوردن رفته‌اند سراغ این‌که پدر بیچاره‌شان را مضحکه خاص و عام کنند. کلی هم چالش تعریف می‌کنند که جلوی پدرتان هر کار بی‌اخلاقی‌ای که ببلدی انجام دهید تا خودی نشان داده باشید. گرچه خیلی از کسانی که نمونه‌های اولیه را ارائه می‌دهند کاملا نمایشی دست به این کار می‌زنند و خیلی‌ها غافل از این ماجرا، در دام آنها گرفتار می‌شوند و حایگاه بدری را دستخوش و کوته‌نظری‌شان، می‌کنند.

بیاور کنید این آدم‌ها را فقط می‌شود در ترانه‌های عمومی‌رنگ پیدا کرد: «کی از همه خوشگل تره؟ من من من من من!» و البته هر چیز دیگری هم بپرسی می‌گویند «من من من من من». سریع هم فیلمش را می‌گیرند و می‌گذارند در فضای مجازی که خدای نکرده عقب نمانند.

**یدریعنی قلب بارانی**

من برای خستگی‌هایت بمیرم / دورت بگردم درمون دردم  
آخه تو تکیه گامی / انگار هزار تا آدم باهامن وقتی باهامی.»



از جوانانی پرسیدم به نظر وظیفه پدر خوب چیه؟ گفت: «پدری کردن». با احترام به استاد خیابانی، این جمله واقعا خنده دار نیست و خیلی هم قابل تأمل است. یعنی به هرکسی بگوییم یک چیزهایی در ذهنش می‌آید که از یک پدر می‌شود توقع داشت. خب البته نگاه دینی چندتا از وظایف پدر را مشخص کرده مثلاً انتخاب اسم خوب، ایجاد شرایط تحصیل به خصوص یادگرفتن قرآن و دین، ایجاد شرایط ازدواج و.... اما شاید اگر بخواهیم بهترین واژه را پیدا کنیم می‌رسیم به کلمه پشتیبان.

هر آدمی همان‌طور که اول حرف‌های مان گفتیم، به دنبال هدفی و رسالتی است. و چه کسی بهتر از یک پدر می‌تواند از آرزوها و رویاهای فرزندش حمایت کند؟ پدر خوب، حس و حال فرزندش را می‌فهمد، او را درک می‌کند و زبانش را می‌شناسد. بعد هم سعی می‌کند به علایق واقعی او توجه کند و برای این‌که به آدم خوبی تبدیل شود، همه‌جوره از او حمایت می‌کند. من مطمئن هستم شما هم جزو کسانی هستید که معتقدند بابای آنها بهترین بابای دنیاست. پس حواس‌تان باشد که برای جایگاه پدری باید خیلی احترام قائل شوید و با رفتارهایمان او را به عابریانک، بی‌خیال، سختگیر بیش‌ازحد، خود محور یا هرچیز بد دیگری تبدیل نکنیم. حالا به پاس زحمات همه پدرهای خوب این ترانه را با صدای آرون افشار زمزمه می‌کنیم که:

«چه کردی با قالب فرزندت / گذشتی از خودت تا جان بگیرم